

مقاله پژوهشی

نقش جغرافیا بر روند شکل‌گیری فضاهای باز در خانه‌های روستایی مازندران*

زهره جوادیان کوتنایی^۱، حسین سلطانزاده^{۲*}، لیلی کریمی فرد^۳

۱. گروه معماری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳. گروه معماری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۱۸ تاریخ قرارگیری روی سایت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۱

چکیده با گذر زمان شکل خانه‌ها و الگوهای زیستی در حال تغییر هستند. این تحول چه در شهر و چه در روستا اجتناب‌ناپذیر است. با فرض اینکه سبک و کیفیت زندگی روستایی وابسته به الگوی خانه‌هاست و جغرافیا می‌تواند نقش قابل‌توجهی در شکل‌گیری مسکن روستایی داشته باشد، بررسی این پژوهش اهمیت می‌یابد. این پژوهش با هدف تحلیل نقش جغرافیا و محیط بر روند شکل‌گیری فضاهای باز و عرصه‌ها در خانه‌های روستایی استان مازندران به انجام رسیده است. سؤال اصلی آن است که نقش جغرافیا در روند شکل‌گیری فضاهای باز در خانه‌های روستایی مازندران چیست؟ با توجه به این که در گذشته فضاهای باز و عرصه‌ها نقش بسیار مهمی در فعالیت‌های اهالی و معیشت اهالی داشته‌اند، آیا کالبد و کارکرد عرصه‌ها متأثر از پهنه‌بندی جغرافیایی است؟ این پژوهش از نوع کاربردی و با روش کیفی است و تحلیل داده‌ها به‌صورت توصیفی-تحلیلی انجام شده است. گردآوری داده‌های اسنادی همراه با مشاهدات میدانی بوده است. بدین ترتیب، لازم است با مطالعه مسکن روستایی در سه پهنه جغرافیایی دشتی، کوهپایه و کوهستانی، بستر شکل‌گیری معماری بومی بررسی و روابط علت و معلولی بازشناسی شود. ضمن تحلیل داده‌های آماری موجود، نمونه‌هایی از هر سه پهنه بررسی شده و در نهایت برای پایایی نتایج، گفتگوهای میدانی و مصاحبه‌های کیفی نیز با ساکنین انجام شده است. یافته‌ها حاکی از این است که محیط جغرافیایی نقش بسیار تأثیرگذاری بر فضاهای باز سکونتگاه‌های روستایی دارد، مطالعات پایه مبنی بر این است که عرصه‌ها در مناطق کوهستانی و کوهپایه‌ای نسبتاً کوچک هستند در حالی که در روستاهای دشتی از ابعاد قابل‌توجهی برخوردار بوده‌اند و نتیجه مشاهدات و گفتگوها مؤید این مطلب است که در گذر زمان تغییر در سبک زندگی روستاییان، تغییر کالبدی خانه‌ها را در پی داشته و نه تنها متأثر از محیط که بیش از آن، عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در شکل‌گیری روابط فضایی مسکن روستایی نقش آفرین بوده‌اند. در این پژوهش مفهوم روابط فضایی معطوف بر تعامل فضاهای باز با بخش سکونتگاهی در مسکن روستایی است.

واژگان کلیدی خانه‌های روستایی، محیط و جغرافیا، روستاهای مازندران، فضاهای باز، روابط فضایی.

بدین ترتیب گویای بسیاری از ویژگی‌های روستا، از جمله حجم جمعیت، نوع فعالیت، امکان دسترسی به منابع و توان بالقوه برای رشد و توسعه است. حذف تدریجی ارزش‌های مسکن بومی روستایی در حالی است که این گونه از مسکن، در ظرف زمانی خود، به لحاظ نحوه تعامل با شرایط محیطی (اعم از جغرافیای طبیعی و انسانی)، کاربرد روش‌ها، فنون و مصالح منطبق با داشته‌های محلی، سازگاری با شیوه سکونت روستاییان و بسیاری موارد دیگر، واجد ارزش‌های

مقدمه مکان یک سکونتگاه، مبین موقعیت طبیعی و موقعیت کاربردی آن است. موقعیت طبیعی، با عوامل محیط طبیعی، همچون پستی و بلندی، منابع آب و پوشش گیاهی ارتباط مستقیم دارد.

*این مقاله برگرفته از رساله دکتری «زهره جوادیان کوتنایی» با عنوان «تبیین رابطه فضایی باز در الگوی معماری روستایی با واکاوی محیط و سبک زندگی (مطالعه موردی: خانه‌های روستایی مازندران)» است که به راهنمایی دکتر «حسین سلطانزاده» و مشاوره دکتر «لیلی کریمی فرد» در دانشکده هنر و معماری دانشگاه تهران جنوب در حال انجام است.

** نویسنده مسئول: ۰۹۱۲۲۰۹۳۲۰۳ hos.soltanzadeh@iauctb.ac.ir

پرداختن به الگوهای معماری بومی، عوامل مؤثر بر روند شکل‌گیری ساختار فضایی این مسکن و نقش محیط در شکل‌گیری فضاهای باز در کالبد ابنیه روستایی را بررسی می‌کند.

روش تحقیق

این مقاله هدفی کاربردی و ماهیتی کیفی دارد. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است و گردآوری داده‌ها به‌صورت کتابخانه‌ای است و بخش قابل‌توجهی از پژوهش به روش میدانی انجام شده است. در ابتدا به شناخت و دسته‌بندی بر اساس پهنه‌بندی جغرافیایی پرداخته شده و ویژگی‌های مسکن روستایی در سه پهنه دشت، کوهپایه‌ای و کوهستانی بررسی شده است. بر اساس تقسیم‌بندی‌های جغرافیایی ۱۲ مسکن روستایی معرفی شده و ضمن مشاهده و تحلیل فضاهای باز و عرصه‌ها در گونه‌های متفاوت از مسکن روستایی، گفتگوها و مصاحبه‌های کیفی نیز با اهالی انجام شده است. علاوه‌بر موارد گفته شده بر اساس داده‌های آماری سال ۱۳۹۷ از ویژگی‌های مسکن روستایی استان، اطلاعات مؤثر به‌صورت نمودار دایره‌ای تحلیل شده است. در نهایت بر اساس یافته‌های پژوهش عوامل مؤثر بر شکل‌گیری فضاهای باز در خانه‌های روستایی در این پهنه تحلیل شده است.

مبانی نظری

• سکونت و حس مکان در روستا

مسکن به‌عنوان تجلی‌گاه مفهوم سکونت انسان در یک محیط، همواره از شرایط تاریخی و اهداف و سیاست‌گذاری‌هایی که در رشد یا افول وضعیت بستر شکل‌گیری خود حادث شده، متأثر بوده است. خانه می‌تواند به‌عنوان مکانیسمی فیزیکی تلقی شود، مکانیسمی که منعکس‌کننده جهان‌بینی و اخلاق یک قوم بوده و به پیدایش آن‌ها نیز کمک می‌کند و از این نظر قابل‌مقایسه با نهادهای اجتماعی مختلف -یا مکانیسم‌هایی- که همان نقش را ایفا می‌کنند، است (Rapoport, 2009). امنیت و رفاه نیز دو مفهوم کیفی است که در خانه انتظار تحقق آن را داریم. «کاشانه هنوز با ارزش‌های شناخته‌شده‌ای که به ما امنیت می‌بخشد، مرتبط است» (Norberg-Shulz, 2002). حس امنیت و رفاه از نیازهای ثانوی انسان است که اگرچه در ظاهر هم‌ارز با نیازهای اولیه نیست، اما خلأ آن ادامه حیات را مختل می‌کند. همچنین خانه کالبد مجسم فضای بحرانی خانواده است. مطابق تحقیقات ادوارد تی هال در خصوص قلمروی موجودات زنده «همه حیوانات نیازمند یک حداقل فضایی هستند که بدون آن بقا غیر ممکن است. این فضا، فضای بحرانی (قلمرو) آن موجود زنده است» (Hall, 1966, 16). با توجه به تعریف سه نظریه‌پرداز فوق از مسکن، تجلی مفهوم سکونت در گروهی امنیت است. پس خانه مکانی است که امن باشد. در ادامه حس مکان‌مندی خانه مورد بررسی قرار می‌گیرد. حس مکان نوعی رابطه میان انسان و مکان را تبیین می‌کند و به مفهوم پیوند عمیق عاطفی و حسی است که بین فرد و مکان ایجاد می‌شود و با ایجاد این پیوند، محیط

بسیاری است که برخی از آن‌ها، به همان شکل کنونی و برخی با اعمال تغییراتی برای بهبود و ارتقای آن‌ها، به سادگی قابل بهره‌برداری هستند. بدین ترتیب، به‌رغم آن که تحول در مسکن بومی روستایی به‌دلیل چالش‌های فراروی آن ضرورتی انکارناپذیر است؛ اما ارزش‌های پایدار مادی و معنوی نهفته در آن مؤید ضرورت شناخت و بهره‌گیری از آن‌ها در گونه‌های جایگزین است. از این‌رو، هدف اصلی این پژوهش را می‌توان فراهم آوردن شناختی جامع و نظام‌مند از تأثیر جغرافیا بر مسکن روستایی در استان مازندران دانست. این شناخت جامع باید بتواند بستری مناسب و مبتنی بر یافته‌های علمی برای فعالیت‌هایی که در حوزه بهسازی، بازسازی و نوسازی مسکن روستایی این استان صورت خواهد گرفت، فراهم آورد.

پیشینه پژوهش

عنوان مسکن روستایی از مباحثی است که محققین مختلف با رویکردهای متفاوتی به آن پرداخته‌اند که چهار گروه مطالعاتی متناسب با پژوهش حاضر بررسی شده است. گروه اول مطالعات گونه‌شناسی و تحلیل مسکن و بافت روستاست که برخی از این تحقیقات عبارتند از: گونه‌شناسی‌های مسکن روستایی که توسط بنیاد مسکن انقلاب اسلامی انجام شده است. مانند کتاب «گونه‌شناسی مسکن روستایی استان مازندران» (راهب و ترکاشوند، ۱۳۹۴) که به شناخت معمارانه‌های روستایی و ارائه طرح‌های پیشنهادی پرداخته است. گروه دوم منابعی است که روستا را از منظر مصالح و ساخت بررسی می‌کند. در کتاب «درآمدی بر شناخت معماری روستایی ایران» با بیان عوامل مؤثر بر شکل‌گیری کالبد روستاها، مصادیق و نمونه‌هایی از معماری روستایی ایران از نظر مصالح و روش‌های ساخت بررسی شده است (Zargar, 1999). منابعی روستا را از منظر اقلیم و پهنه‌بندی‌های جغرافیایی تحلیل کرده‌اند. قبادیان (Ghobadian, 2005) در کتاب «بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران» با بیان خصوصیات آب‌وهوای ناحیه خزری، ویژگی‌های بافت سکونتگاه‌های شهری و روستایی این ناحیه را در محورهایی چون: فرم ابنیه، نوع مصالح و ... بررسی کرده است. سرتیپی‌پور در مجموعه مقالاتی که در سال‌های مختلف تدوین کرده، شاخص‌های مسکن روستایی، عناصر، کمیت‌ها و کیفیت‌های فضایی و نیز تفاوت‌های موجود در پهنه‌های مختلف جغرافیایی را ارزیابی و تحلیل کرده است. وی در مقاله‌ای با عنوان «کیفیت فضایی در طراحی بافت سکونتگاه‌های کوچک: بافت روستایی» با تکیه بر تجارب انجام شده سعی در نشان دادن نقش مغفول مانده در این فرایند یعنی «فضا» و «کیفیت» آن در شکل‌دادن به بافت روستایی دارد (Sartipipour & Sartipipour, 2019). گروه مطالعاتی دیگری روستا را از منظر سبک زندگی و ویژگی‌های فرهنگی اجتماعی و توسعه گردشگری بررسی می‌کنند مانند مقاله «رابطه درون و بیرون خانه به روایت ساکنین زن؛ مطالعه موردی: خانه‌های بافت میانی شهر کرمانشاه» که به روابط فضایی مسکن روستایی می‌پردازد (Bakhtiarmanesh et al., 2024). این مقاله نیز ضمن

معیشتی و زیباشناختی و غیره شکل گرفته و با توجه به موقعیت مکانی و زمانی و عملکردی بنا تأثیر بعضی از عوامل نسبت به بعضی دیگر بارزتر و یا کم‌رنگ‌تر بوده است.

• سبک زندگی

از آنجاکه انسان‌های ساکن در نواحی روستایی ماهیت خلاق و اجتماعی پویا دارند در پژوهش‌هایی که در این محیط صورت می‌گیرد باید به این ویژگی توجه شود و برای حل مشکلات روستاها از یک روش و نسخه واحد پرهیز شود (Afsharipour et al., 2021). وقتی دنیای اجتماعی متحول می‌شود، به مفاهیمی نو برای درک آن نیازمندیم. کاربرد مفهوم سبک زندگی مطابق با تحولات فرهنگی و اجتماعی تغییر کرده است. تا پیش از جنگ جهانی دوم مفهوم سبک زندگی چندان اهمیتی نداشت و اصولاً با این نام از آن یاد نمی‌شد. پس از جنگ جهانی دوم با گسترش پایه‌های اجتماعی و به‌وجودآوردن امکان عملی تولید و مصرف انبوه کالاها، به‌ویژه کالاهای فرهنگی سبب شد شیوه‌های زندگی تنوع بسیار بالایی بیابند. همچنین رشد اقتصادی، ماشینی‌شدن کار، افزایش دستمزدها و گسترش وسایل تفریح و فراغت جامعه‌ای را در غرب صنعتی پدید آورد که تمایزات سنتی در آن تا اندازه‌ای محو شدند، بدین معنا که هر فرد و گروه اجتماعی تنها می‌توانست از طریق تنوعی که در انتخاب شغل، محل زندگی، آرایش و پوشاک خود، سلیقه‌های هنری و زیباشناختی‌اش، انتخاب سرگرمی‌ها و نحوه گذران اوقات فراغت و حتی شیوه‌های عملی و اخلاقی و دینی خویش در جامعه پیش می‌گرفت، خود را از دیگران متمایز کند. کلان‌شهرها باعث گمنامی آدم‌ها در شهر بودند و از همین رو شناخت افراد بر مبنای شاخص‌های منزلتی گذشته ناممکن شد و شواهدی در دست بود که نشان می‌داد دیگر افراد بر مبنای جایگاه خود در نظام تولید نمی‌اندیشد و رفتار نمی‌کنند (Fazeli, 2003, 62). از این زمان بود که مفهوم سبک زندگی در معنی جدید آن مطرح شد. کسانی که در جوامع مدرن زندگی می‌کنند برای توصیف کنش‌های خود و دیگران از مفهوم سبک زندگی استفاده می‌کنند. سبک‌های زندگی الگوهایی برای کنش هستند که مردم را از هم متمایز می‌کنند، بنابراین سبک‌های زندگی کمک می‌کنند تا آن‌چه را مردم انجام می‌دهند و چرایی آن را و معنایی را که برای آن‌ها و دیگران دارد درک کنیم (Chaney, 1996). تحلیل‌گران نه‌تنها باید زمینه‌های تغییر رژیم غذایی، عادات اوقات فراغت یا چشم‌داشت‌های مربوط به نقش‌های وابسته به جنس را بدانند، بلکه نیازمند دانستن معنای فرهنگی انواع گوناگون تغییر نیز هستند. سبک‌های زندگی نیز صورت‌هایی از هویت جمعی هستند که در طول زمان تحول می‌یابند.

در تئوری‌های جامعه‌شناسی کلاسیک، از این مفهوم عمدتاً برای ایجاد تمایز میان طبقات اجتماعی یا گروه‌های اجتماعی استفاده شده است. دنیای اواسط قرن نوزدهم که مارکس بر تحلیل آن همت گمارده بود آنچنان درگیر فرایند تولید، و چنان بر حول ارزش‌ها و فرایندهای مرتبط با آن سامان گرفته بود، که مفهوم

بیوفیزیکی برای فرد تبدیل به یک مکان دارای مشخصات و ویژگی‌های متمایز و عجین با هستی و هویت فرد می‌گردد. نتیجه این حس برای افراد ایجاد امنیت، راحتی، آسایش زیستن در مکان و خودمانی شدن در مکان و انگیزه ماندن و زیستن در آن می‌شود (Ardoin, 2006). حیات روستاها در طول تاریخ همواره در تعامل با حیات شهرها شکل گرفته است. دلایل مختلفی در خصوص ایجاد شهرها و مهاجرت روستاییان به شهرها در طول تاریخ آمده است که معمولی‌ترین دلیلی که برای پیدایش شهرها ذکر شده وابسته به اقتصاد است، به این معنا که مازاد تولید محصولات کشاورزی عده‌ای را از کشت و تولید محصول بی‌نیاز کرد. این امر خود موجب تسهیل جمع‌آوری غذای مازاد جهت یک جمعیت شهری شد (شیعه، ۱۳۷۵). وقتی اقدام به مشاهده و مطالعه مسکن روستایی می‌شود به نظر ساده و ابتدایی می‌رسد ولی در واقع این بناها توسط مردمی ساخته شده‌اند که هر کدام از اعضای آن از طریق کلیه عوامل و نهادهای زندگی اجتماعی با تمامیت گروه پیوند دارند و بنابراین از دانش و شناخت نامحدودی که از سایر اعضای آن می‌گیرند، برخوردار است. در چنین جوامعی هر یک از اعضای فعال گروه قادر است که خانه خود را بنا کند یا در ساخت آن مشارکت جدی داشته باشد (Zargar, 1999). مسکن روستایی به‌عنوان برون‌داد نیاز ضروری انسان به سرپناه شکل و کالبد خود را در نتیجه عملکردهای انسان در طبیعت نمایان می‌کند و با نوع معماری و فضاهای متنوع کارکردی بر ابعاد مختلف زندگی ساکنان تأثیر می‌گذارد (Ghadiri Masoum et al., 2021).

کیفیت زندگی روستایی بیانگر تلاش و کوشش و رضایت مردم به بهبود شرایط زندگی، احساس امنیت و رفاه است اما محققین بیان داشتند که زندگی با کیفیت مناسب در مناطق روستایی زمانی توسعه می‌یابد که دولت‌ها بتوانند فرایندهای اقتصادی، اجتماعی و محیطی تأثیرگذار را به سطح روستا کشانده و شرایط زندگی برای ساکنان روستاها را هم‌تراز زندگی جوامع شهری درآورند (Futa & Ewuola, 2010). فضای خانه روستایی فضایی است متشکل از حضور همه جانبه انسان روستایی در مکانی که برای زندگی انتخاب کرده است، این حضور همه ابعاد زندگی مادی و معنوی فردی و اجتماعی او را در بر می‌گیرد (علی‌الحسابی، ۱۳۷۲). با توجه به مطالب آورده شده در این بخش که ابتدا با تعریف مسکن، حس مکان، حیات روستا در تعامل با شهر و در نهایت به مطالبی پیرامون کیفیت زندگی روستایی پرداخته شد و با توجه به یک نگاه کلی به سکونت‌گاه‌های بومی در مناطق مختلف می‌توان دریافت که ترکیب‌بندی دو فضای باز و بسته از نظام خاصی تبعیت می‌کند و سازماندهی این فضاها متأثر از عوامل گوناگونی است که در زمینه این آثار وجود دارد. قسمت عمده‌ای از پیوستگی و انسجامی که در سکونتگاهی بومی دیده می‌شود مدیون نظام دو فضای باز و بسته در معماری بومی است. فضای باز و بسته در معماری بومی آنچنان به هم پیوسته است که هر کدام شکل دیگری را تعیین می‌کنند. به‌طور کلی ترکیب فضای باز و بسته تحت تأثیر برابند عوامل متعددی از قبیل عوامل اقلیمی، محیطی، فرهنگی و اجتماعی،

می‌دهند. وسعت سکونتگاه‌های روستایی، هم‌نشان‌گر قابلیت‌ها و توان‌مندی‌های آن‌ها در پذیرش جمعیت و هم، عاملی مؤثر در تعیین شکل و ویژگی‌های بافت (یا کالبد) روستاهاست. هرچند که عوامل دیگری، همچون شرایط زیست‌محیطی، شیوه تولید اقتصادی، توسعه اجتماعی، ساختارهای فرهنگی، قابلیت‌های دفاعی و حتی بنیادهای حقوقی (از جمله، مقررات مربوط به ارث) می‌توانند در وسعت روستاها، نقش داشته باشند (سعیدی، ۱۳۷۷). محیط زیست جغرافیایی اولین و مهمترین گام در معماری است. با توجه به مطالب فوق، محیط و جغرافیا از عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری فضاهای معماری است و هر محیط دارای ویژگی‌ها و توانمندی‌های منحصر به فردی است. در پهنه جغرافیایی مورد مطالعه، مسکن روستایی در سه پهنه روستاهای دشتی، کوهستانی و روستاهای پایکوه تجزیه و تحلیل می‌شود.

یافته‌های پژوهش

• مسکن در پهنه‌های جغرافیایی؛ واحدهای مسکونی واقع در دشت

روستاهای زیادی در پهنه دشت‌های پای کوه در حاشیه جاده کناره تا دریا جای می‌گیرند. پهنه دشتی به دلیل فاصله کم کوه و دریا در غرب استان کم‌عرض‌تر و در شرق آن وسیع‌تر است. این مناطق دارای کشتزارهای نسبتاً وسیعی بوده که در گذشته بیشتر آن به شالیزار اختصاص یافته بود. در حال حاضر این زمین‌ها در غرب استان اغلب تغییر کاربری یافته و به ویلاسازی اختصاص یافته است. بناهای بومی به‌ندرت و در سطح کم در این منطقه مشاهده می‌شود، اما در شرق استان به دلیل وسعت بیشتر و نفوذ کمتر توریست همچنان می‌توان آثار آن را مشاهده کرد. با مطالعه نمونه‌های بومی موجود ویژگی‌های کالبدی بناهای این روستاها را بر اساس اجزا و ویژگی‌های شکل‌دهنده واحد مسکونی به تفکیک می‌توان برشمرد. روستاهایی که در آن زمین‌های کشاورزی در میان روستا واقع شده اغلب دارای عرصه‌های گسترده هستند اما در روستاهایی که دارای بافت نیمه‌متراکم است (به‌خصوص در روستاهای بزرگ) ابعاد عرصه کوچکتر است. در برخی موارد زمین‌های کشاورزی در مجاورت عرصه و دسترسی به آن‌ها از طریق عرصه صورت می‌گیرد. خانه‌ها اغلب در میان عرصه واقع شده‌اند و اجزای عرصه به‌طور معمول عبارتند از: شیراب و حوض شستشو، چاه آب، انبار نفت، انبار محصولات کشاورزی، توالت، طویله و کاهدان و فضای باز جهت نگهداری پرندگان. اجزای عرصه اغلب یا دور محوطه چیده شده و دسترسی به آن یا شعاعی است و یا به‌صورت خطی و محوری واقع شده‌اند. عرصه در این منطقه اغلب با دیوار بنایی یا حصار بلند محصول شده است. ورودی عرصه دارای در است و معمولاً بر روی آن سردری با سقف شیب‌دار وجود دارد (تصویر ۱).

• واحدهای مسکونی واقع در کوهپایه

روستاهای کوهپایه استان مازندران در پای کوه‌های دامنه شمالی البرز واقع شده‌اند. در برخی موارد این روستاها در روی شیب شکل گرفته و در قسمت‌های پایین‌تر آن که مسطح است شالیزارهای روستا واقع

«طبقه اجتماعی» - به‌عنوان مفهومی که تحلیل جایگاه آدمیان در نظام سرمایه‌داری را ممکن می‌ساخت - در تحلیل مارکسیستی جامعه نوظهور موقعیتی مسلط یافت. حال که به نظر می‌رسد «... مهمترین تحول پدید آمده در قرن اخیر گسترش تاریخی مصرف بوده است» (Bocock, 2002, 120). بنابراین به مفاهیمی جدید برای تحلیل جامعه نیازمندیم. مفهوم یا مفاهیمی که بتوانند تحول پدید آمده را در خود بروز داده و برنامه پژوهشی جدیدی را نیز پیش روی علوم اجتماعی قرار دهند. ظاهراً مفهوم «سبک زندگی» چنین خصایصی را داراست. در تعریفی ساده و کلی می‌توان سبک زندگی را «شیوه زندگی» یا به نحو دقیق‌تر الگوها و شیوه‌های «زندگی روزمره» تعریف کرد. سبک زندگی بخشی از زندگی است که عملاً در حال تحقق یافتن است و در بردارنده طیف کامل فعالیت‌هایی است که افراد در زندگی روزمره انجام می‌دهند و همچنین خصایصی نظیر داشتن سبک (تمایز بخش، شکل خاص، کیفیت برجسته، مکان یا شخص خاص) درباره آن‌ها صدق می‌کند. طیف فعالیت‌های افراد در هر عرصه، می‌تواند سازنده سبک زندگی آن‌ها در آن عرصه باشد. به همین دلیل می‌توانیم از سبک زندگی در زمینه مصرف مادی، رفتار بهداشتی، مصرف فرهنگی یا رفتار درون منزل سخن بگوییم (Razavizadeh, 2004). با توجه به مبانی ذکر شده مفهوم سبک زندگی مطابق با تحولات فرهنگی اجتماعی تغییر پیدا می‌کند. همچنین شرایط اقتصادی نیز از عوامل مؤثر به‌شمار می‌آید. بنابراین سبک زندگی محدود به خانه نیست و می‌تواند معطوف و متأثر از نگرش‌ها، ارزش‌ها، موقعیت مکانی و طبقه اجتماعی باشد.

• جغرافیای طبیعی

عوامل مهم و مؤثر در شکل‌گیری انواع فضاهای معماری را در طبقه‌بندی کلی می‌توان به دو گروه دسته‌بندی کرد: نخست، عوامل مادی و محیطی و دوم، عوامل فرهنگی و تاریخی (Soltanzadeh, 2011). هر محیط دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که آن را از محیط‌های دیگر متمایز می‌کند، به این ترتیب یکی از ویژگی‌های اصلی محیط جغرافیایی وجود یک تمایز است (ورمقانی و همکاران، ۱۳۹۴). مطالعه مسکن، با مورد نظر قراردادن وابستگی‌ها و پیوستگی‌های آن در قالب یک نظام فراگیر و همه‌جانبه، مستلزم مطالعه جغرافیای پهنه مورد نظر نیز هست. جغرافیای طبیعی، ناظر به تجزیه و تحلیل پدیده‌های طبیعی محیط، نظیر اشکال زمین، آب‌وهوا، خاک‌ها، گیاهان، حیوانات و سایر پدیده‌های طبیعی است. از نظر ناهمواری‌ها، استان مازندران به دو قسمت جلگه‌ای در شمال و کوهستانی در جنوب تقسیم شده و شیب ناهمواری‌های آن از غرب به شرق و به موازات دریای خزر است. امتداد و جهت رشته کوه‌های البرز، به‌صورت دیواری مرتفع و طولانی، نوار ساحلی و جلگه‌های کناره‌ای دریای مازندران را محصور کرده است. بنابراین در تمامی نقاط مازندران شیب و ارتفاع زمین به‌سوی جلگه و به سمت دریای خزر کاهش می‌یابد. باید توجه داشت موقعیت طبیعی و کارکردی روستاها که معمولاً با یکدیگر پیوندی تنگاتنگ دارند؛ وسعت و اندازه روستاها را نیز تحت تأثیر قرار

روستاها را بر اساس اجزا و ویژگی‌های شکل‌دهنده واحد مسکونی به تفکیک زیر می‌توان برشمرد:

به دلیل واقع شدن پناه در شیب بافت فشرده روستا به دلیل سردسیر بودن منطقه عرصه‌ها اغلب کوچک هستند. در برخی موارد خانه‌ها فاقد عرصه هستند و یا عرصه‌ها میان چند خانه مشترک هستند. عناصری نظیر شیر آب و حوض شستشو، چاه آب، انبار، توالی، طویله و کاهدان که از اجزای عرصه به‌شمار می‌روند و گاه در کنار گذر واقع شده و گاه میان چند خانه مشترک هستند (تصویر ۳). در ادامه روابط فضایی هر سه پهنه در قیاس با هم آورده شده است (تصویر ۴).

خلاصه‌ای از مصاحبه‌ها و گفتگوهای محلی • خانه‌های مناطق کوهستانی

در گذشته آشپزخانه از فضاهای خدماتی در کنار انبار و فضای دام و در تعامل بیشتری با عرصه بوده اما امروزه ابعاد آن بزرگتر شده است. به فضاهای زیستی نزدیکتر اما از خصوصی بودن حریم آن برای خانم خانه کاسته شده است. در بسیاری از خانه‌های امروزی فضای دهلیز یا هال که حداقل عرصه و اتاق‌ها بوده، حذف شده و در بدو ورود گاه‌ها اهالی وارد فضای اصلی می‌شوند. با توجه به اینکه شغل اکثر اهالی دامداری و کشاورزی بوده، حیاط محل قرارگیری فضاهای خدماتی مانند انبار، تنور، طویله و سرویس بهداشتی بود و برای انجام فعالیت‌های کشاورزی و دامداری استفاده می‌شد. در ماههایی از سال که اوضاع جوی مناسب بود، ایوان برای انجام کارهایی از قبیل آشپزی، غذاخوری، کار و استراحت و گاه‌ها برای نگهداری از محصولات کشاورزی استفاده می‌شد. امروزه ایوان جای خود را به تراس داده و از انبار برای نگهداری از وسایل اضافی استفاده می‌شود. بخشی از حیاط به باغچه و فضای سبز به منظور زیباسازی و بخشی به پارکینگ اختصاص داده می‌شود و دیگر عرصه‌ها مانند گذشته در خدمت معیشت خنوار نیستند. در نهایت می‌توان گفت که امروزه فضا در خانه روستایی علاوه بر محیط، بر اساس مفاهیم و الگوهای فرهنگی و اجتماعی یا همان سبک زندگی شکل می‌گیرد.

• خانه‌های مناطق کوهپایه‌ای

در گذشته هر خانه دارای عرصه‌ای با مجموعه‌ای از عناصر خدماتی و متعلقات مکانی مانند باغچه، توتستان و انواع تأسیسات بهره‌برداری مربوط به کشاورزی و دامداری شامل کندوج، تلمبار، طویله و محل نگهداری مرغ و اردک بود که با دیواره‌هایی ساخته شده از شاخه درختان یا دسته‌های نی به نام پرچین، محصور می‌شد. امروزه به دلیل

شده است. در این حالت روستا شکلی فشرده می‌یابد. در روستاهای این پهنه چای کاری و به خصوص باغداری متداول است. باغداری بیشتر به مرکبات اختصاص دارد. با توجه به مناسب بودن شیب ملایم برای کاشت چای و مناسب بودن شرایط آب‌وهوایی، کشت چای در این گونه روستاها رواج بسیار دارد. علاوه بر آن با توجه به نزدیکی مراتع، دامداری نیز در حد استفاده خانوار و نیمه گسترده دیده می‌شود. ویژگی‌های کالبدی بناهای این روستاها را بر اساس اجزا و ویژگی‌های شکل‌دهنده واحد مسکونی به تفکیک زیر می‌توان برشمرد:

در خانه‌های واقع در شیب، عرصه‌ها نسبتاً کوچکترند اما چنانچه خانه‌ها در قسمت‌های مسطح پای کوه واقع شده باشند عرصه‌ها از وسعت بیشتر برخوردارند. خانه‌ها اغلب در میانه عرصه واقع شده‌اند. اجزای عرصه در این گونه نیز به‌طور معمول عبارتند از: شیر آب و حوض شستشو، چاه آب، انبار محصولات کشاورزی، توالی تحویل و کاهدان، مرغانی و فضای باز جهت نگهداری پرندگان. اجزای عرصه گاه به‌طور پراکنده و غیر متمرکز و گاه خطی و محوری واقع شده‌اند (تصویر ۲).

• واحدهای مسکونی واقع در کوهستان‌های شمال البرز

روستاهای واقع در کوهستان اغلب کم جمعیت دارای دسترسی نامناسب و امکانات و تسهیلات محدودی هستند. در سال‌های اخیر تعداد زیادی از این روستاها به دلیل کوچ اهالی به روستاهای پایین‌تر خالی از سکنه شده است. همچنین تعداد زیادی از این روستاها کاربری ویلاقی دارند. لذا در حال حاضر تعداد زیادی از این روستاها خالی از جمعیت و یا دارای جمعیت ثابت کمی هستند. این روستاها به دلیل سرمای هوا و شیب زیاد زمین‌ها اغلب کشاورزی ثابت و پررونقی ندارند. معنی اصلی آن‌ها اغلب از دامپروری تأمین می‌شود که البته دامداری وسیع و گسترده نیز کمتر مشاهده می‌شود. از روستاهای باقیمانده در کوهستان بخش اعظم آن به ویلاقیات روستاییان و شهرنشینان حوزه دشت تبدیل شده است. تنها در فصل تابستان در این روستاها سکونت داشته و گاه دام‌های خود را برای چرا در فصل سرما به این ویلاقیات می‌برد. این مسئله یعنی عدم سکونت دائم در روستاهای این منطقه ویژگی خاصی به بناهای واقع در این پهنه داده است که آن را از سکونتگاه‌های کوهستانی واقع در اقلیم سرد که در محل سکونت دائم است متمایز کرده است به‌طوری که به دلیل عدم اقامت کامل در فصل سرما در روستاهای این منطقه کمتر شاهد تمهیدات جدی برای مقابله با سرما در این مناطق هستیم ویژگی‌های کالبدی بناهای



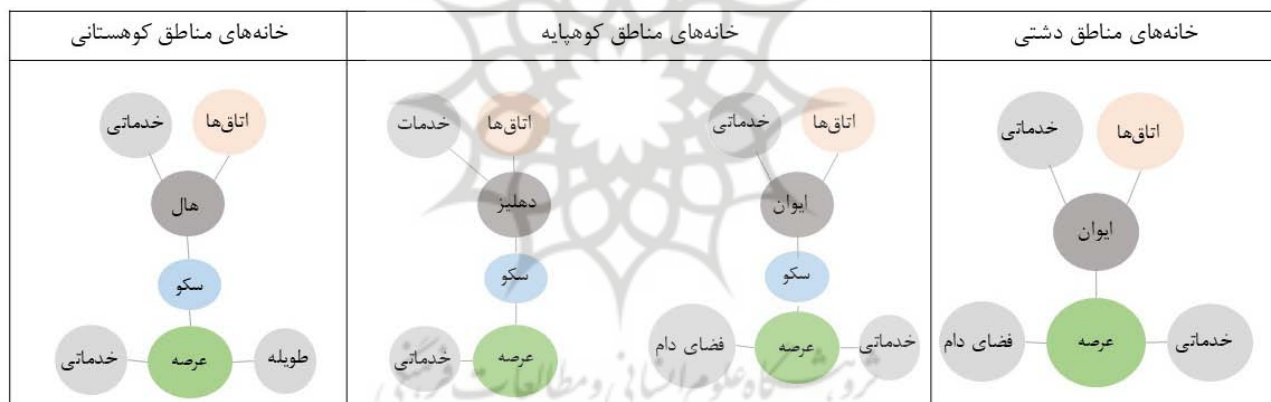
تصویر ۱. روستای دشتی بالا بیشه سر. مأخذ: آرشیو نگارندگان.



تصویر ۲. روستای محمدآباد. مأخذ: آرشیو نگارندگان.



تصویر ۳. روستای لمزر. مأخذ: آرشیو نگارندگان.



تصویر ۴. روابط فضایی در خانه‌های روستایی مازندران. مأخذ: نگارندگان.

عدم سازگاری پلان برخی از مسکن ساخته‌شده با نوع فعالیت‌های تولیدی، مانند دامداری در روستاها، موجب رویگردانی روستاییان از انجام این‌گونه فعالیت‌ها شده و دیگر شاهد فضاهایی مانند طویل، تلمبار، کندوج و در خانه‌های امروزی نیستیم و از حیاط به‌عنوان پارکینگ، باغچه و فضای سبز استفاده می‌شود. در این منطقه به‌دلیل شرایط اقلیمی، فضاهای نیمه‌باز رایج بود و در نیمی از ایام سال استفاده می‌شد، زیرا این فضاها امکان برقراری جریان هوا را همزمان با محافظت از تابش آفتاب فراهم می‌آورد. فضای نیمه‌باز در این اقلیم به دو صورت ساخته می‌شد: یا ایوان داشت یا سکویی منتهی به دهلیز دسترسی به اتاق‌ها فراهم می‌آورد. فضاهای نیمه‌باز علاوه بر نقش واسطه‌ای خود، نقش سایبان افقی را نیز برای پنجره‌ها و دیوارهای پشت خود ایفا می‌کرد. الگوی خانه‌های سنتی شامل فضاهای باز و نیمه‌باز و بسته است اما ساختمان‌های امروزی در فضای بسته خلاصه می‌شوند. حذف

• خانه‌های مناطق دشتی

در ساختمان‌های قدیمی به‌دلیل در دسترس بودن زمین فراوان، تعداد فضاها بیشتر بوده و مساحت بیشتری داشتند. عرصه‌ها نیز وسیع‌تر است. انباری یکی از ارکان اصلی برای نگهداری وسایل یا خوراک دام‌ها بوده است. همچنین سرویس بهداشتی نیز خارج از محیط خانه و در حیاط قرار داشت. در ساختمان‌های امروزی به‌دلیل کمبود زمین و فضا و همچنین بالا بودن قیمت زمین، ساختمان‌ها از نظر مساحت کوچک‌تر شده‌اند و در ارتفاع به شکل آپارتمانی افزایش داشته‌اند. در مناطق دشتی که شالی کاری به‌عنوان فعالیت اصلی به‌شمار می‌رفت، در نظر گرفتن فضاهایی برای انبار کردن برنج در محوطه ضروری به نظر می‌رسید.

از فعالیت‌های معیشتی-زیستی روستائیان در استان مازندران در عرصه واحدهای مسکونی انجام می‌شود. عناصر واقع در عرصه یک واحد مسکونی، شکل و ابعاد آن، متأثر از موارد چندی همچون محل استقرار، توپوگرافی، معیشت، اقلیم و مواردی مشابه آن است. مهم‌ترین موارد قابل تأکید در عرصه واحدهای مسکونی استان مازندران را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

عرصه یک واحد مسکونی روستایی، به عرصه‌های زیستی، خدماتی و دامی تفکیک می‌شود. با وجود آن که دامداری در نواحی کوهستانی و کوهپایه‌ای رایج است اما در نواحی جلگه‌ای و در برخی موارد، کوهپایه‌ای استان، به دلیل بزرگی عرصه‌ها این تفکیک‌ها با وضوح و استقلال بیشتری به چشم می‌خورند. حال آن که در مناطق کوهستانی، به دلیل کوچک بودن عرصه‌ها، فشردگی بیشتر و تداخل این عرصه‌ها مشاهده می‌شود. جز در برخی پهنه‌های کوهستانی، فعالیت‌هایی مانند شستشو، پخت نان و گاهی پخت و پز و استراحت، در عرصه انجام می‌شود. هریک از این فعالیت‌ها فضای ویژه خود را داراست. اجزاء و عناصر کالبدی در خانه‌های روستایی منطقه، اغلب شامل این موارد می‌شود: حوض و شیرآب، منبع آب، منبع نفت، بهارند، باغچه کشت سبزی‌جات، انبار علوفه، نردبان، بند یا چوب رخت، مرغدانی، تنور، محل نگهداری ماشین‌آلات کشاورزی. ابعاد عرصه در مناطق جنگلی و جلگه‌ای متفاوت است. عرصه در مناطق کوهستانی و کوهپایه‌ای نسبتاً کوچک است. عرصه در خانه‌های روستایی جلگه‌ای از ابعاد قابل توجهی برخوردار است. به منظور تحلیل عرصه‌های خانه‌های روستایی از هر پهنه چهار خانه در چهار روستای متفاوت انتخاب شده که در ادامه در **جدول ۱ تا ۳** ارائه شده است.

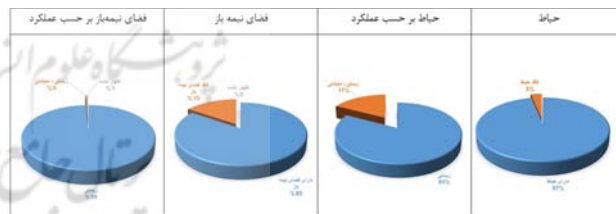
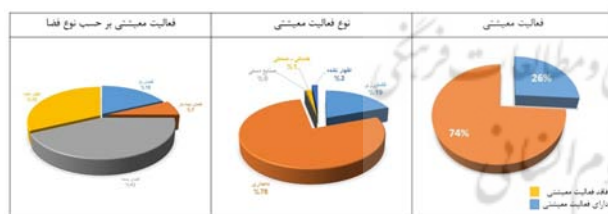
دامداری نیز در نزد برنج‌کاران به عنوان معیشت جانبی دارای اهمیت بود و یک یا چند رأس دام برای تأمین نیازهای افراد خانواده دیده می‌شد که عناصری مانند طویله را در محوطه توجیه می‌کرد. امروزه از فضاهای نیمه‌باز به منظور پهن کردن رخت، خشک کردن محصولات و استراحت کردن استفاده می‌شود. طویله نیز تخریب شده است. ایوان‌های مسقف که گاهی سطح وسیعی را در بر می‌گرفتند نقش مهمی در استفاده از فضای نیمه‌باز به‌ویژه هنگام بارندگی داشتند. از طرفی دیگر به دلیل شرایط مساعد اقلیم، در بیشتر مواقع سال بخش عمده‌ای از زندگی در ایوان سپری می‌شد. برای مثال: برای صرف غذا، جای خواب در تابستان، استفاده از چشم‌انداز باغ و حیاط و آسمان. اما امروزه بالکن یا تراس شکل امروزی از الگوی ایوان در خانه‌های سنتی هستند.

تحلیل داده‌ها و دستاوردها

پهنه جغرافیایی عامل اصلی اثرگذار بر گونه مسکن در این منطقه است که به پهنه‌های دشتی جلگه‌ای، کوهپایه‌ای و کوهستانی تقسیم می‌شود. بخش کوهستانی خود دو منطقه را در بر می‌گیرد: کوهستان‌های دامنه شمالی البرز در مجاورت دشت‌ها که ییلاقات ساکنین مناطق جلگه‌ای را در برمی‌گیرد و پرباران و مرطوب است و مناطق کوهستانی بلده و کجور که در منطقه سرد با رطوبت کمتر قرار گرفته است. بر اساس مطالعات آماری سال ۱۳۹۷ بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، **تصاویر ۵ تا ۷** در جهت درک بهتر سکونتگاه‌های روستایی مازندران ارائه شده‌اند.

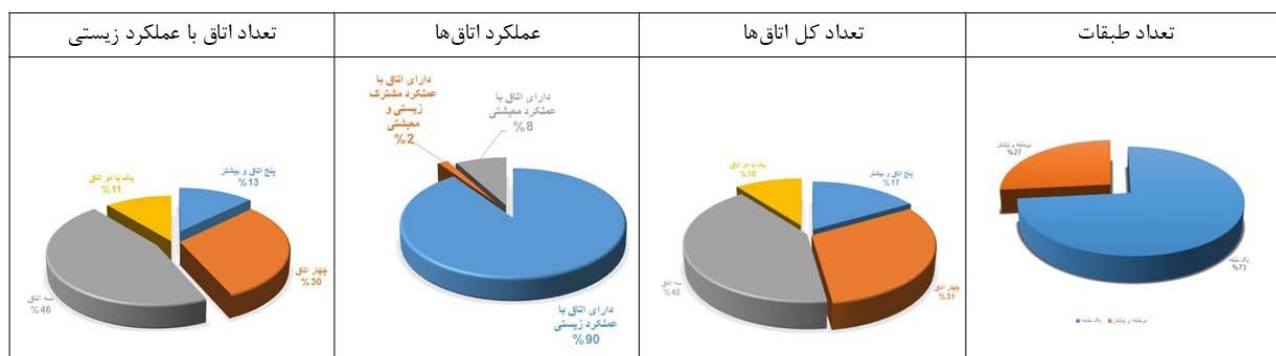
• عرصه

با توجه به شرایط اقلیمی و فصول مختلف سال، بخش مهمی



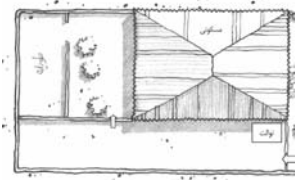
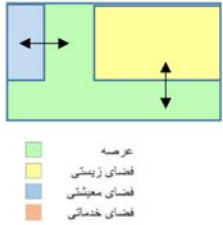
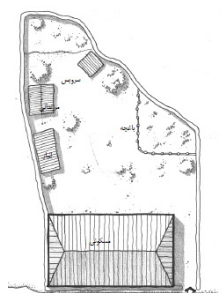
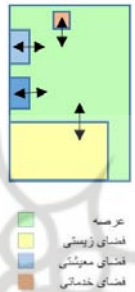
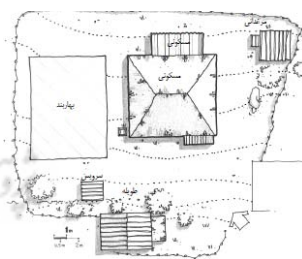
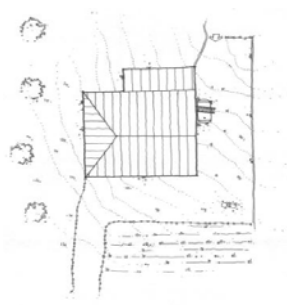
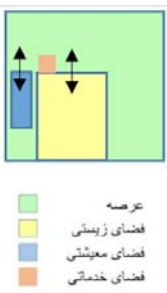
تصویر ۶. تحلیل نموداری فعالیت فضایی باز و نیمه‌باز در مسکن روستایی مازندران بر اساس اطلاعات آماری سال ۹۷. مأخذ: نگارندگان.

تصویر ۵. تحلیل نموداری فعالیت معیشتی در مسکن روستایی مازندران بر اساس اطلاعات آماری سال ۹۷. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۷. تحلیل نموداری اتاق‌ها و طبقات در مسکن روستایی مازندران بر اساس اطلاعات آماری سال ۹۷. مأخذ: نگارندگان.

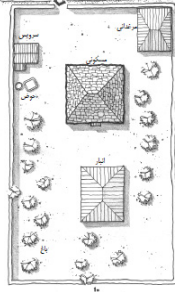
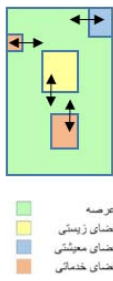
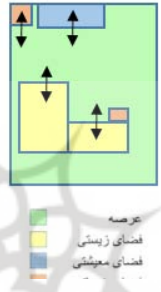
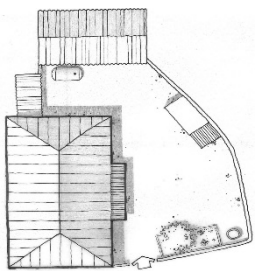
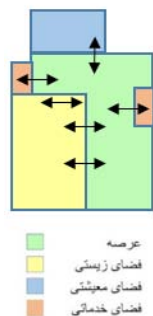
جدول ۱. نمونه‌های خانه بومی در مناطق کوهستانی. مأخذ: نگارندگان.

روستاهای کوهستانی	سایت پلان	دیگرام سایت	عکس	عرصه
بیجده نو				- بخشی از عرصه با دیوارچینی تفکیک شده و قسمت جلوی آن، از گذر و فضای عمومی تفکیک نشده است. فضای پشت خانه دیوارچینی شده و به نگهداری دام و ماکیان اختصاص دارد. - خانه مسکونی بر روی بستری شیبدار واقع شده است.
چمرکوه				- عرصه شکل هندسی مشخصی ندارد. - ورودی عرصه در امتداد عرض بنا قرار گرفته و سپس اجزای عملکردی عرصه که شامل تنور خانه، طویله، مرغدانی و دستشویی است، به صورت پراکنده و شعاعی قرار گرفته‌اند. فضای میانی عرصه خالی است.
کدیر				- روابط فضایی این عرصه تحت تأثیر شیب زمین پدید آمده است. هسته مرکزی عرصه که قسمت عمده حرکت‌های عرصه در آن اتفاق می‌افتد، در نزدیکی ورودی عرصه و در ارتفاع پایین‌تری از بنا شکل گرفته است. - طویله، با فاصله نسبت به خانه و در مسیر گذر قرار گرفته است.
لمزر				عرصه دارای سطح شیبدار بوده و حد آن تعریف نشده است. واحد مسکونی در میان عرصه واقع شده و ورودی عرصه از غرب صورت می‌گیرد. مهمترین اجزای کالبدی مستقر در عرصه عبارتند از: خانه مسکونی، طویله و توال. در عرصه باغ وجود دارد. عرصه دارای محصوریت تنها از دو طرف است.

جدول ۲. نمونه‌های خانه بومی در مناطق پایکوهی. مأخذ: نگارندگان.

روستاها دشتی	سایت پلان	دیگرام سایت	عکس	عرصه
بالا بیشه‌سر				عرصه شمالی-جنوبی کشیده شده و واحد مسکونی در میان عرصه به صورت کشیده و شرقی-غربی قرار گرفته است. ورودی عرصه از ضلع جنوبی صورت می‌گیرد. مهمترین اجزای کالبدی مستقر در عرصه عبارتند از: خانه مسکونی، انبار و توالت. حوض و چاه آب در میان عرصه و باغچه در شمال آن وجود دارند.
تهمتن کلا				عرصه دارای کشیدگی شرقی-غربی است و واحد مسکونی در میان عرصه این به صورت شرقی-غربی کشیده شده است. ورودی عرصه از ضلع شرقی صورت می‌گیرد. مهمترین اجزای کالبدی مستقر در عرصه عبارتند از: خانه مسکونی، باغ، جای مرغ، طولیله و توالت. فضای دامی در عرصه با در تفکیک شده است. عرصه دارای محصوریت حرکتی و بصری از همه جوانب است.
فوتم سفلی				عرصه تقریباً مربعی است و واحد مسکونی در میان عرصه واقع شده و ورودی عرصه از ضلع جنوبی صورت می‌گیرد. مهمترین اجزای کالبدی مستقر در عرصه عبارتند از: خانه مسکونی، باغ و توالت. چاه آب و باغ نیز در عرصه وجود دارد و قسمتهایی از عرصه با دیوار بلوک سیمانی مجزا شده است. عرصه دارای محصوریت حرکتی و بصری از همه جوانب است.
سارونه خیل				عرصه دارای کشیدگی شمالی-جنوبی است و واحد مسکونی که تقریباً مربعی است در غرب عرصه واقع شده و ورودی عرصه از ضلع غربی صورت می‌گیرد. باغ مرکبات در شمال خانه و در محوطه عرصه وجود دارد.

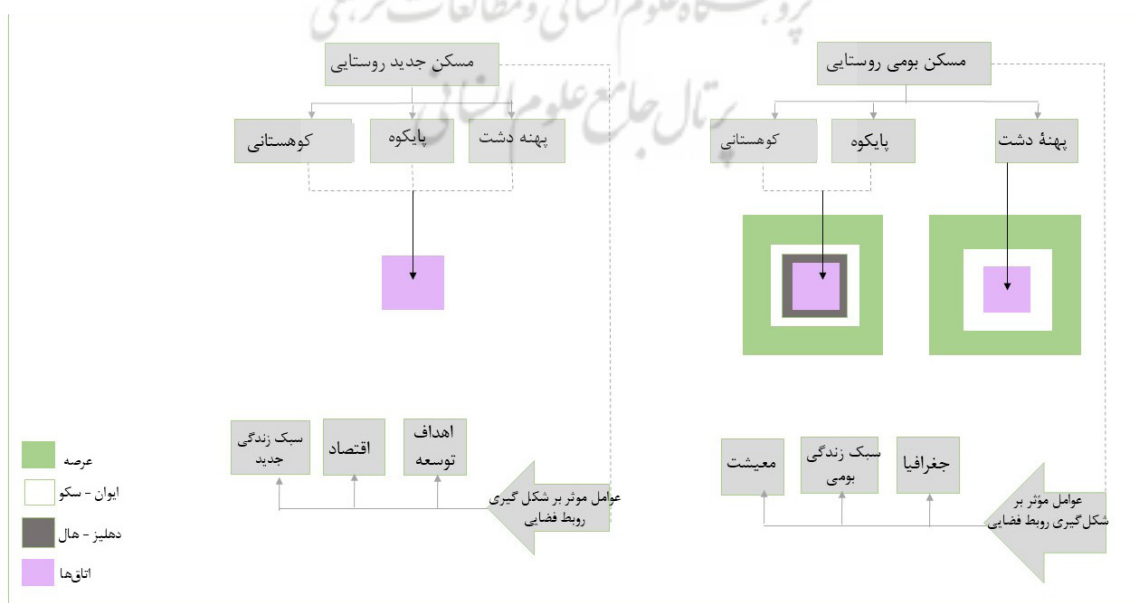
جدول ۳. نمونه های خانه بومی در مناطق دشتی. مأخذ: نگارندگان.

روستاهای پایکوه	سایت پلان	دیگرام سایت	عکس	عرصه
برسیبور				عرصه دارای کشیدگی شمالی - جنوبی است و خانه مسکونی در میان عرصه واقع شده است. ورودی عرصه از شمال آن صورت می گیرد. چیدمان عناصر و دسترسی ها خطی و در راستای محور شمالی - جنوبی است. سرویش بهداشتی در نزدیک ورودی واقع شده است. دورتادور عرصه درختان میوه کاشته شده است.
افرا تخت				عرصه دارای تناسباتی تقریباً مربع شکل است. واحد مسکونی، در کنج عرصه به صورت L قرار گرفته است. ورودی عرصه از ضلع غربی صورت می گیرد. مهمترین اجزای کالبدی مستقر در عرصه عبارتند از: خانه مسکونی، انبار، پارکینگ و توالت. در عرصه باغ و حوض و منبع آب نیز وجود دارد. عرصه دارای محصوریت حرکتی و بصری از همه جوانب است.
سوا				عرصه کوچک و فاقد کشیدگی است، واحد مسکونی تقریباً عرصه را پر کرده است. ورود به عرصه از جنوب غربی صورت می گیرد. مهمترین اجزای کالبدی مستقر در عرصه عبارتند از: خانه مسکونی و توالت و انبار که زیر واحد مسکونی قرار گرفته است. حوض آب در عرصه به چشم می خورد. عرصه از همه جوانب جنوب محصور است.
محمد آباد				- عرصه کوچک و دارای کشیدگی شمالی - جنوبی است و واحد مسکونی با کشیدگی شمالی - جنوبی در جنوب عرصه واقع شده است. - مهمترین اجزای کالبدی مستقر در عرصه عبارتند از: خانه مسکونی، طولیه، انبار و توالت. - عرصه دارای محصوریت حرکتی و بصری از همه جوانب است.

نتیجه‌گیری

دامداری است که غالباً در فضای بسته صورت می‌گیرد. اکثر خانه‌ها دارای حیاط و فضای نیمه‌باز هستند که از آن بیشتر به‌عنوان فضای زیستی استفاده می‌کنند. با توجه به اینکه شغل اکثر اهالی دامداری و کشاورزی بوده، حیاط محل قرارگیری فضاهای خدماتی مانند انبار، تنور، طویله و سرویس بهداشتی بوده است و برای انجام فعالیت‌های کشاورزی و دامداری استفاده می‌شده است. در ماه‌هایی از سال که اوضاع جوی مناسب بود، ایوان برای انجام کارهایی از قبیل آشپزی، غذاخوری، کار و استراحت و گاهی برای نگهداری از محصولات کشاورزی استفاده می‌شد. امروزه ایوان جای خود را به تراس داده است و از انبار برای نگهداری از وسایل اضافی استفاده می‌شود. الگوی خانه‌های سنتی شامل فضاهای باز و نیمه‌باز و بسته است اما ساختمان‌های امروزی در فضای بسته خلاصه می‌شوند. حذف حیاط و فضای باز خصوصی از زندگی و نیاز به حضور آن برای تحقق عملکردهای وابسته به آن، نهایتاً باعث به‌وجود آمدن تراس و بالکن‌هایی در ساختمان‌های جدید شده است. در ساختمان‌های امروزی به‌دلیل کمبود زمین و فضا و همچنین بالا بودن قیمت زمین، ساختمان‌ها از نظر مساحت کوچکتر شده‌اند و در ارتفاع به‌صورت ساخت‌وسازهای آپارتمانی پیشروی داشته است (تصویر ۸). با توجه به گفتگوهای محلی که به بررسی عملکرد و ساختار فضاهای باز و نیمه‌باز در گذشته و امروزه پرداخته شد، نیز آنچه پرواضح است این است که در گذر زمان سبک زندگی روستایی تغییر کرده است. افزایش قیمت زمین عرصه‌ها را محدود کرده است. بنابراین نه‌تنها جغرافیا بلکه عوامل متعدد بسیاری در شکل‌گیری ساختار فضایی مسکن روستایی نقش دارند. در برنامه توسعه و روند معاصر سازی به ویژگی‌های بومی کمتر توجه شده و فارغ از پهنه‌بندی جغرافیایی، شکل‌گیری خانه‌های روستایی بر اساس اهداف توسعه و مسائل اقتصادی بوده که در نهایت تغییر سبک زندگی و معیشت روستاییان را به دنبال داشته است.

در روستاهای استان مازندران ساختار کلی ارتباط فضاهای باز و واحد مسکونی بر این اساس است که فضای باز با عنوان عرصه فضای زیستی را احاطه کرده است که متناسب به موقعیت جغرافیایی از ویژگی‌ها و ابعاد متفاوتی برخوردار است. همچنین فضاهای باز و نیمه‌باز روستایی متناسب با شغل خانواده در خدمت فضاهای معیشتی نیز هست. با توجه به دیگرام روابط فضایی در خانه‌های مناطق دشت، حدفاصل عرصه تا اتاق‌ها و فضای زیستی، ایوان قرار می‌گیرد. در مناطق کوهپایه که عرصه‌ها محدودتر می‌شوند یا به‌واسطه سکو و ایوان دسترسی به اتاق‌ها تعریف می‌شود و یا با حذف ایوان اصلی، سکو منتهی به دهلیز به اتاق‌ها می‌رسد. در روستاهای کوهستانی نیز غالباً ایوان به‌طور چشمگیر حذف می‌شود و سکو منتهی به هال دسترسی از بیرون به درون را تعریف می‌کند. گاهی، به‌ویژه در مناطق سردسیر، اتاق‌ها دارای دسترسی داخلی تودرتو هستند. در مناطق کوهستانی دسترسی به اتاق‌ها علاوه بر دسترسی مستقل از بیرون که در فصول گرم صورت می‌گیرد- از طریق هال میانی نیز با یکدیگر در ارتباط هستند. به‌طور کلی دسترسی مستقیم به ایوان، برای اغلب روستاهای منطقه یک ضرورت است. لذا نخست ایوان و پس از آن اتاقی که کاربرد نشیمن دارد و معمولاً در مرکز بنا قرار می‌گیرد نقش فضای تقسیم و هسته ارتباطی بنا را بر عهده دارند. در مناطق جلگه‌ای عرصه‌ها گسترده و واحدها پراکنده‌اند. در مناطق سرد و به‌خصوص در ارتفاعات شیبدار، بافت‌ها فشرده‌تر هستند. در تمام موارد در نمونه‌های بومی حدفاصل واحدهای مسکونی، کمتر با دیوار از یکدیگر جدا شده و اکثراً خانه‌ها با پرچین و یا کاشت گیاهان محصور شده‌اند. بر اساس تحلیل داده‌های آماری نیز اکثر خانه‌های بومی روستایی دو طبقه هستند، بیش از نیمی از خانه‌های روستایی فاقد فضایی برای فعالیت معیشتی هستند. بیشترین فعالیت معیشتی در روستاهای استان،



تصویر ۸. مدل مفهومی از روابط فضایی در خانه‌های روستایی مازندران و عوامل تأثیرگذار در روند شکل‌گیری آن. مأخذ: نگارندگان.

فهرست منابع

- Chaney, D. (1996). *Lifestyle*. Routledge.
- Fazeli, M. (2003). *Concupation and life style*. Sobh-e Sadegh.
- Futa, W., & Ewuola, M.D. (2010). *Introduction to rural life*. Routledge.
- Ghadiri Masoum, M., Bahmani, A., Ghadermarzi, H., & Rezvani, M. (2021). Evaluation of effect of housing improvement special plan on the physical structure and economic performance of rural housings (Case study: Eilagh-e-jonobi district, Dehgolan County). *Human Geography Research Quarterly*, 53(1), 47-63.
- Ghobadian, V. (2005). *Climatic analysis of the Traditional Iranian buildings*. University of Tehran.
- Hall, E.T. (1966). *The hidden dimension*. Doubleday & Company.
- Norberg-Shulz, C. (2002). *The concept of dwelling: on the way to figurative architecture* (M. Amirahmadi, Trans.). Agah. (Original work published 1985) [in Persian]
- Rapoport, A. (2009). *Pour une anthropologie de la maison* (Kh. Afzalain, Trans.). Herfeh Honarmand. (Original work published 1975) [in Persian]
- Razavizadeh, N. (2004). *Investigating the impact of communication on the desire to change lifestyle in rural communities* [Unpublished Doctoral dissertation, Allameh Tabataba'i University].
- Sartipipour, M. & Sartipipour, A. (2019). Spatial Quality in the Design of Small Habitat Texture: Rural Texture. *Journal of Housing and Rural Environment*, 38(165), 3-16. <https://doi.org/10.22034/38.165.3>
- Soltanzadeh, H. (2011). The role of geography on formation courtyards in traditional houses in Iran. *Human Geography Research Quarterly*, 43(1), 69-86.
- Zargar, A.(1999). *An ntroduction to the Iranian: rural architecture*. Shahid Beheshti University.
- آمارگیری مسکن روستایی استان مازندران. (۱۳۹۷). *نتایج آماریگری از ویژگی های مسکن روستایی، برحسب استان ها، بنیادمسکن انقلاب اسلامی*.
- راهب، غزال و ترکاشوند، عباس. (۱۳۹۱). *گونه شناسی مسکن روستایی «استان مازندران»*. بنیادمسکن انقلاب اسلامی.
- سعیدی، عباس. (۱۳۷۷). *توسعه پایدار و ناپایداری توسعه روستایی. مسکن و انقلاب*. (۸۴)، ۲۲-۱۷.
- شیعه، اسماعیل. (۱۳۷۵). *مقدمه ای بر مبانی برنامه ریزی شهری*. دانشگاه علم و صنعت ایران.
- علی الحسانی، مهران. (۱۳۷۲). *الگوی مسکن روستایی: پژوهشی در معماری مسکونی استان خراسان*. بنیادمسکن انقلاب اسلامی.
- ورمقانی، حسنا؛ سلطان زاده، حسین و دهباشی شریف، مزین. (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی مسکن بومی در گیلان و مازندران با تکیه بر عوامل جغرافیای انسانی. فصلنامه نگارش های نو در جغرافیای انسانی، ۲۷(۲)، ۱۲۷-۱۴۶. <https://doi.org/10.1001.1.66972251.139/>
- 4.7.2.8.7
- Afsharipour, A., Barghi, H., & Ghanbari, Y. (2021). Identifying policy-making and planning challenges in rural areas of Iran by thematic analysis method. *Human Geography Research Quarterly*, 53(3), 1089-1101.
- Ardoin, N. M. (2006). Toward an Interdisciplinary Understanding of Place: Lessons for Environmental Education. *Canadian Journal of Environmental Education*, 11(1), 112-126. <https://cjee.lakeheadu.ca/article/view/508>
- Bakhtiarimanesh, E., Mohadeth, F., & Rostamighalelani, M. (2024). The relationship between inside and outside of the house according to the narrative of female residents; case study; houses in middle urban fabric of Kermanshah. *Journal of Housing and Rural Environment*, 43(187), 0-95. <https://doi.org/10.22034/43.187.8>
- Bocock, R. (2002). Consuming (Kh. Sabri, Trans.). *Shiraze Publication*. (Original work published 1993) [in Persian]

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Tourism of Culture journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

جوادیان کوتائی، زهره، سلطانزاده، حسین و کریمی فرد، لیلی. (۱۴۰۴). نقش جغرافیا بر روند شکل‌گیری فضاهای باز در خانه‌های روستای مازندران: گردشگری فرهنگ، ۶(۲۰)، ۴۶-۵۷.

DOI: 10.22034/TOC.2025.444365.1150

URL: https://www.toc-sj.com/article_218693.html

